

همیشه‌های جمهوری

نگاه علی مهدیان
استاد حوزه و دانشگاه

کدام وحدت؛ سیاسی یا راهبردی؟

● آیا منظور از وحدت کس در هفته وحدت از آن نام می‌بریم، رابطه با طالبان و عربستان و مصر است؟ یا آنها دشمنیم یا دوست؟ این رابطه چه نسبتی با مقوله وحدت دارد؟ برای توضیح باید ورود ایران به مسئله وحدت را بیان کنیم. ورودی از بستر انقلاب و ولایت عینی نه انتزاعات صرف یا لطائلات توهمی.

● مراد از ولایت، یک مفهوم انتزاعی یا حتی یک عقیده اجتماعی صرف نیست. ولایت یعنی حکومت الهی که مشروعیتش از جانب خداست و تحقق اش البته ریشه در ایمان و عقیده عمومی مردم دارد. یعنی تدبیری توحیدی و قدرتی ایمانی، یعنی سیاست مقدس. این مفهوم را بسه وزن همه معجزات جمهوری اسلامی بشنوید مثل علم مقدس، دفاع مقدس، نظام مقدس و...

● واقعیت آن است که مباحثات علمی، انتزاعی و نخبگانی حول مقوله وحدت البته ارزشمند است، اما عموماً مبتلا به نوعی بی‌ربطی به صحنه است. با عموماً ارتباط نمی‌گیرد و اجرایی نمی‌شود و از همه مهم‌تر اینکه نهاد علم و نخبگی بسیار تحت تأثیر قدرت و سیاست است. لذا نفوذ حاکمان مصر بر شیوخ الازهر و حاکمان سعودی بر پایگاه وهابیت عربستانی، انقلاب ایران و جبهه‌بندی‌های مرتبط با آن، جنگ ۳۳ روزه، داستان سوریه و بشار اسد و حالا پیروزی‌های مقاومت، همه‌وهمه و هر یک به‌نجوی در مباحثات و گفت‌وگوهای تقریبی و امتی و وحدتی مؤثر بوده‌اند.

● انقلاب اسلامی وحدت را نه به‌عنوان یک بحث علمی جذاب نخبگانی صرف، بلکه به‌عنوان یک حقیقت عمیق توحیدی و سلوکی و مقدس دیده است که باید در زمین محقق شود تا مقاصد انبیا و اولیسا تحقق یابد، پس راه‌حلی عینی و زمینی برای آن پیشنهاد می‌کند، راه‌حل چیست؟



● ایجاد مقاومت، یعنی یک حرکت ایمانی و معنوی عمومی و مردمی در مقابل استکبار و طاغوت و شیطان بزرگ. این مقاومت خود منشا تحقق و جریان یک قدرت مقدس است. قدرتی متصل به بی‌نهایت. این قدرت هر چه بیشتر به‌دست مردم ظهور و بروز می‌کند، باعث کرنش قدرت‌های مصادی و دنیاگرایی جهانی و منطقه‌ای است. این کرنش‌های اجباری قدرت‌های مادی و پولی و ابزاری، خود زمینه‌ساز ارتباط فرهنگی و علمی و در نتیجه گسترش صدور انقلاب به‌مثابه یک شمیم بهاری خواهد شد که انسان‌ها را بر می‌خیزاند و وحدتی حقیقی و توحیدی را رقم می‌زند. این همان توسعه قدرت مقدس است؛ توسعه ولایت الهی.

● وحدت نه یک تکنیک یا راهبرد، بلکه یک عقیده عمیق است به عمق توحید. امام (ره) می‌گفت اصلاً توحید یعنی واحد شدن. لذا ارتباط با عربستان نماد آن نیست ولو می‌تواند زمینه‌ساز آن باشد، همانطور که صلح حدیبیه نماد آن نبود بلکه تاکتیکی برای تحقق فتح مبین شد. فتح مبین چیست، استقامت، افتخار انسان‌ها و امت‌ها. فتحی که اساس مقاومت مقابل هر طاغوت می‌شود، نه آمریکا و غرب و نه سعودی‌ها و تکفیری‌های منطقه و نه هیچ قدرتی نمی‌تواند مقابل این قدرت الهی و مقدس بایستد، این پیوستار ولایی است با روح قیام و ایمان. انسجام سیاسی تاکتیکی زمینه‌ساز تحقق وحدت حقیقی خواهد شد که وحدتی که هویتش قیام است و استقامت و مقاومت.

● ولایت و سیاست مقدس این گونه روح و جسم وحدت را می‌سازد. هم محصول وحدت است و هم منشا وحدت. حالا معلوم می‌شود در ایران چرا هر دولت و هر جریان که تقابل با طاغوت را کمرنگ کرد، خودتخیری را تشدید کرد، اعتماد به نظام مقدس را تضعیف کرد، امید ایمانی به پیشرفت را از بین برد، عملاً وحدت را از بین برده و بیستر بحران را شکل داده و در مقابل هر دولت و جریانی که بر ایمان و امید ایمانی (نه امید به دشمن) دمید و مقاومت را پیش برد و نظام ولایت را با برترنگ کردن اعتماد مردم مستحکم نمود، بحران‌ها را نابود کرد و وحدت‌ساز بود.



خیلی دور، خیلی نزدیک

فراز و فرودهای روابط ایران و عربستان در قرن اخیر

اخیر به پیروزی اسد و جبهه مقاومت در سوریه و یمن و همراهی عراق با سیاست‌های منطقه‌ای ایران، برمی‌گردد. همه این موارد با خواست و اقدامات سعودی‌ها در تضاد است.

- در سال ۱۳۹۴ پلیس فرودگاه جده به ۲ توجوان ایرانی به بهانه بازرسی بدنی تعرض ناکامی داشت.
- تنش در روابط بالا گرفت و مجلس خواستار لغو حج عمره تا حصول اطمینان از امنیت زائران شد.
- حتی هاشمی رفسنجانی نیز ماجرای جده را ر سوابی جدی برای نظام عربستان خواند. عمره تا محاکمه اعلان متوقف شد.

- در حج تمتع همان سال (۱۳۹۴) سقوط جرقیل در مکه و فاجعه منا منجر به کشته شدن صدها حاجی ایرانی شد که ایران مقامات عربستانی را مقصر خواند، اما واکنش مقبولی از عربستان مشاهده نشد.
- اعدام شیخ نمر در دی‌ماه سال ۱۳۹۴، خشم مردم منطقه را برآشفند. در ایران هم معترضان در مشهد پرچم عربستان را از کنسولگری‌شان پایین کشیدند.
- تهران تجمعی در مقابل سفارت عربستان انجام شد، عده‌ای که ایران آنها را «خودسر» نامید وارد ساختمان سفارت شدند و پرچم عربستان را پایین آوردند. بخشی از سفارت هم آتش گرفت.
- در روز ۱۳ دی ۱۳۹۴ وزیر خارجه عربستان، عادل الجبیر، قطع روابط دیپلماتیک خود با ایران را اعلام کرد.



در بدو دولت رئیسی و مخصوصاً در بحبوحه اغتشاشات سال ۱۴۰۱ روابط عربستان و ایران در اوج تنش بود. گفته شد که عربستان حامی جدی شبکه‌های تلویزیونی ضدایران بود و برخی مدعی شدند ولیعهد عربستان خواستار کشیدن نزاعات به داخل ایران بوده است، اما ایران نیز با عبور از چالش بی‌سابقه اغتشاشات، قدرت خود را در حراست از یکپارچگی کشور و حفظ نظام به جهانیان نشان داده بود. از طرفی عربستان در جنگ یمن در باتلاق گیر کرده بود و از قدرت‌های غربی در حفظ و حراست از منافع خود مایوس شده بود. او در چرخشی آشکار به سمت شرق رو آورده بود. در نتیجه ایران در پی سیاست حسن همجواری با کشورهای منطقه، با پیشنهاد عراق و عمان و چین برای میانجیگری جهت برقراری روابط دیپلماتیک با عربستان موافقت کرد. بدین ترتیب در خرداد ۱۴۰۲ روابط ایران و عربستان پس از ۷ سال تنش، دوباره برقرار شد.

بر کناری حسنی مبارک و مخالف حضور مجدد نظامیان بود.

- ایران برخلاف عربستان موافق نسوری مالکی به‌عنوان نخست‌وزیر عراق بود.
- عربستان از گروه تروریستی جندالله حمایت کرد.
- حتی گفته شد که عربستان خواستار حمله نظامی آمریکا به ایران برای متوقف کردن برنامه هسته‌ای آن بود.
- همه مواضع عربستان در تنش‌های فوق در جهت سیاست‌های آمریکا و صهیونیست‌ها بود.

- **دولت روحانی**
از امیدواری برای ثبات در منطقه تا قطع روابط دیپلماتیک

با انتخاب روحانی به‌عنوان رئیس‌جمهور، پادشاه عربستان تبریک گفت. روحانی هم پاسخ گفت و ابراز امیدواری کرد که ایران و عربستان بتوانند ثبات را به منطقه بازگردانند.

- با نزدیک شدن به توافق برجام، عربستانی‌ها ابراز ناخوشی می‌کردند و دلیل آن را نگرانی از گسترش نفوذ محور مقاومت در منطقه بیان می‌کردند.
- نقش عربستان در کاهش شدید قیمت نفت با افزایش بی‌سابقه تولید خود در سال ۱۳۹۳، داد روحانی را در آورد.
- اوج تیره‌شدن روابط ایران و عربستان در سال‌های

- **دولت رئیسی**
از سرگیری روابط دیپلماتیک

در زمان خاتمی روابط دو جانبه بیش از گذشته نزدیک شد. او مسیر هاشمی رفسنجانی را در پیش گرفت و آن را قوت بخشید. حتی خاتمی بعد از دوران ریاست‌جمهوری‌اش هم از پادشاه عربستان برای فعالیت‌های -به‌اصطلاح گفت‌وگوی تمدن‌ها- درخواست کمک کرد و پذیرفته شد.

- **دولت احمدی‌نژاد**
بروز چالش‌ها و تنش‌ها

عربستان در دور اول ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد ۴ دوره میزبان او بود، اما در دور دوم تنها یک‌بار در حاشیه اجلاس حل بحران سوریه از او دعوت کرد. به تدریج روابط ایران و عربستان تحت تأثیر سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی با چالش و تنش مواجه شد. در این دوران عربستان با نبود عراق، یعنی کم‌کم به دنبال ایفای نقش ژاندارم آمریکا بود. او خریدار بزرگ تسلیحات غربی و به تعبیر خودشان گاو شیرده آنها بود.

در این دوران از جمله تنش‌های معروف می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ایران در جنگ سوریه برخلاف عربستان حامی بشار اسد بود.
- ایران برخلاف عربستان حامی انقلاب مردم بحرین بود.
- ایران برخلاف عربستان حامی انقلاب مصر و

سیاسی نیز هر دو با قرار گرفتن در منطقه سوق الجیشی غرب آسیا، می‌توانند منطقه و کل جهان را از روابط خود متأثر کنند. وقتی تاریخچه روابط این دو کشور را نگاه می‌کنیم، از فراز و نشیب‌های فراوانی برخوردار بوده است. اکنون به صورت کوتاه این روابط را مرور می‌کنیم.

- **دولت هاشمی رفسنجانی**
بهبود اوضاع

روابط بین ۲ کشور در زمان هاشمی رفسنجانی، روبه بهبود رفت و پس از آدیدار او و عبدالله ولیعهد وقت عربستان، در حاشیه کنفرانس اسلامی در سنگال و پاکستان، دوباره روابط سیاسی برقرار شد. اینکه تصمیم مذاکره و برقراری رابطه با عربستان، سیاست نظام در حسن همجواری است، بدیهی است، اما در نحوه اجرای آن تأملاتی وجود دارد. از جمله اینکه در هر دو دیدار، گروه عربستانی منتظر و متوقع برقراری دیدار از سوی گروه ایرانی بود و هاشمی رفسنجانی در این خصوص گفته بود: «چه عیبی دارد؟ ما می‌رویم». سفرهای متعدد هاشمی به عربستان، روابط ایران و عربستان را به جایگاه بالایی رسانده بود. به طوری که بعد از ریاست‌جمهوری، هم از او دعوت و اجازه بازدید از منطقه فدک هم به او داده شد.

- **دولت خاتمی**
افزایش روابط دو جانبه

در زمان خاتمی روابط دو جانبه بیش از گذشته نزدیک شد. او مسیر هاشمی رفسنجانی را در پیش گرفت و آن را قوت بخشید. حتی خاتمی بعد از دوران ریاست‌جمهوری‌اش هم از پادشاه عربستان برای فعالیت‌های -به‌اصطلاح گفت‌وگوی تمدن‌ها- درخواست کمک کرد و پذیرفته شد.

- **دولت احمدی‌نژاد**
بروز چالش‌ها و تنش‌ها

عربستان در دور اول ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد ۴ دوره میزبان او بود، اما در دور دوم تنها یک‌بار در حاشیه اجلاس حل بحران سوریه از او دعوت کرد. به تدریج روابط ایران و عربستان تحت تأثیر سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی با چالش و تنش مواجه شد. در این دوران عربستان با نبود عراق، یعنی کم‌کم به دنبال ایفای نقش ژاندارم آمریکا بود. او خریدار بزرگ تسلیحات غربی و به تعبیر خودشان گاو شیرده آنها بود.

در این دوران از جمله تنش‌های معروف می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ایران در جنگ سوریه برخلاف عربستان حامی بشار اسد بود.
- ایران برخلاف عربستان حامی انقلاب مردم بحرین بود.
- ایران برخلاف عربستان حامی انقلاب مصر و

و موقعیت راهبردی برای جهان مهم است. هر دو کشور از مؤثرترین کشورهای جهان اسلام هستند و بسیاری از کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان از نزدیکی روابط آن دو سود می‌برند. همچنین هر دو کشور از مؤثرترین مجامع در مسئله نفت و انرژی و اقتصاد در جهان هستند. به لحاظ جغرافیایی

- **قبل از پیروزی انقلاب اسلامی**
روابط در چارچوب آمریکایی‌ها

بدین ترتیب تا قبل از پیروزی انقلاب، روابط ایران و عربستان در چارچوبی که آمریکا برای آنها مشخص کرده بود به مبارزه با نفوذ شوروی در جنگ سرد معطوف شده بود و مناقشات جدی‌ای بر روابط ۲ طرف حاکم نبود. یکی از موارد مناقشه بین ۲ کشور، مسئله اسرائیل بود که ایران در آن موقع اسرائیل را به‌عنوان دوست خود پذیرفته بود، اما عربستان دشمن اسرائیل بود. این به دلیل نقش ژاندارمی ایران برای آمریکا در منطقه بود که باید به حمایت از اسرائیل نیز برمی‌خاست، اما این مسئله چالش برانگیز به قطع روابط دیپلماتیک با مصر که خط مقدم جنگ با اسرائیل بود، منجر شد، ولی در خصوص عربستان و دیگر کشورهای عربی به قطع روابط دیپلماتیک منجر نشد. بدین ترتیب ۲ طرف تصمیم گرفتند اختلافات را در حد مخالفت مسالمت‌آمیز باقی بگذارند. درباره نام خلیج فارس و مسئله بحرین و جزایر سه‌گانه خلیج فارس هم مناقشات و لفاظی‌های اندکی بین ۲ طرف انجام می‌شد که در نهایت به کوتاه آمدن پهلوی‌ها و تن دادن به خواست آمریکا و انگلیس منجر شد و این مناقشات هم در نهایت به روابط ۲ طرف ایران و عربستان خدش‌های وارد نکرد.

- **بعد از پیروزی انقلاب**
خواست اعراب برای روابط قوی‌تر

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، شاه خالد باار سال نامه‌ای به امام خمینی (ره)، تبریک گفت و خواستار روابط قوی‌تری با ایران شد، اما عملاً عربستان که جای ژاندارم سنتی آمریکا را خالی می‌دید، به‌سوی قدرت‌های جهانی متمایل‌تر شد و عملاً در جنگ ایران و عراق از عراق حمایت کرد. به تدریج روابط ایران و عربستان تحت تأثیر حمایت نزدیک به ۳۰ میلیون دلار از عراق حکایت دارد. در سال ۱۳۶۶ عربستان راهیمیایی برائت از مشرکین را که عمدتاً توسط حجاج ایرانی انجام می‌شد و در آن به برائت از استکبار و آمریکا و اسرائیل پرداخته می‌شد، به دستور اربابان خود، به خاک و خون کشید و قریب به ۴۰۰ نفر از حجاج را کشت. این کار شدیدترین ضربه را به روابط دو جانبه وارد کرد و منجر به قطع روابط سیاسی ۲ کشور شد. امام خمینی (ره) در واکنش به این امر گفتند: حتی در صورتی که احتمال بخشش صدام وجود داشته باشد، هیچ‌گاه نمی‌توان خیانت عربستان سعودی به اسلام را فراموش کرد.

گزارش علی‌اخباری پژوهشگر

بعد از ۷ سال قطع روابط دیپلماتیک، ایران و عربستان روابط خود را از سر گرفتند. این روابط از چند منظر اسلامی، انرژی و اقتصادی

- **زمان رضا پهلوی**
عهدنامه مودت

آل سعود از حدود سال ۱۳۰۵ هجری شمسی کم‌کم بر حجاز مسلط شد و با انتخاب وهابیت به‌عنوان عقیده رسمی، دست به تخریب قبور ائمه (بعثت) زد که این امر با واکنش علماء، مقامات و مجلس وقت ایران مواجه شد، اما از آنجا که خود ایران در حال تغییر ریل از قاجار به پهلوی بود، این مسئله به حاشیه رفت. در نهایت با استقرار حکومت آل سعود در سال ۱۳۱۱ دولت ایران این حکومت را به رسمیت شناخت و با آن رابطه سیاسی برقرار کرد. مبنای این روابط «عهدنامه مودت» که در آن تأکید شده بود: «بین مملکت شاهنشاهی ایران و مملکت حجاز و نجد و ملحقات آن، صلح خلل‌ناپذیر و دوستی صمیمانه دائمی برقرار خواهد بود». نخستین سفارت ایران در عربستان در سال ۱۳۱۴ تأسیس و سفیر ایران مأمور شد در بازسازی قبور امامان شیعه (ع) مذاکراتی انجام دهد. او گفت: مسئولان سعودی قول مساعد داده‌اند، اما هیچ اقدام عملی مشاهده نشد. بدین ترتیب فشار فرهنگی - اعتقادی ایرانیان در مسئله تخریب قبور ائمه (ع)، تحت تأثیر روابط سیاسی ۲ کشور قرار گرفت.

- **زمان محمدرضا پهلوی**
سفرهای پنهانی به حج

در سال ۱۳۲۰ دولت ایران به دلیل نامنی راه‌ها که ناشی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم بود، سفر به حج را ممنوع اعلام کرد، اما برخی ایرانیان پنهانی می‌رفتند. در سال ۱۳۲۲ ماجرای باعث قطع روابط ایران و عربستان به مدت ۵ سال شد. ماجرا از این قرار بود که یک ایرانی به دلیل بد شدن حالش در مسجدالحرام استراحت می‌کرد، شش‌طه‌ها او را دستگیر و در محکمه به دلیل آلوده کردن خانه خدا به عمد و بدون توجه به دفاعیاتش، به اعدام محکوم می‌کنند. وزارت خارجه ایران در اعتراض به دولت عربستان به حکم اعدام اعتراض کرد و گفت این عمل محاربه با خدا و فساد در زمین است. بعضی از نمایندگان مجلس در قالب سؤال از نخست‌وزیر، به بی‌عملی او اعتراض کردند و موجب قطع رابطه ایران با عربستان شدند. در سال ۱۳۲۷ روابط با عربستان دوباره برقرار شد و هر سال یکی از مقامات به‌عنوان امیرالحاج برای رتق و فتق امور حجاج از طرف شاه منصوب می‌شد.